

دلالت‌های تصویرهای بیانی مبتنی بر حس ذائقه

(خوردنی و نوشیدنی) در قرآن کریم

خداداد بحری^۱ (استادیار دانشگاه خلیج فارس)DOI: [10.34785/j022.2021.007](https://doi.org/10.34785/j022.2021.007)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۰

تاریخ الوصول: ۲۰۲۰/۱۱/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۵

صفحات: ۱۶۵-۱۸۰

تاریخ القبول: ۲۰۲۱/۱۲/۰۶

چکیده

قرآن کریم، در بسیاری از آیات، تصویری حسی از اغراض خود ارائه و در بسیاری از آن‌ها از فنون بیانی (تشبیهی، مجازی، کنایی) استفاده کرده است. نویسنده در این پژوهش تصویرهای حسی قرآن را که با استفاده از خوردن و نوشیدن و قوه ذائقه ابداع شده‌اند، بررسی کرده است. روش اختیار شده برای انجام تحقیق، روش تحلیلی-توصیفی است. نتایج حاصل از تحقیق به این امور اشاره دارد: تصویرهای مبنی بر خوردن و نوشیدن، در قرآن کریم به دو شکل تجلی یافته است: الف: تصویرهای حقیقی که در قرآن کریم فراوان است و آن‌ها را در آیات راجع به احکام غذاهای حلال و حرام، ذکر نعمت‌های الهی در دنیا، توصیف خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های بهشتیان و وصف آنچه که در دوزخ به کافران و معاندان خورانده می‌شود، می‌توان یافت. ب: تصویرهای بیانی؛ این نوع تصویرها در قرآن کریم اندک است و محدود به یک مجاز مرسل و چند تشبیه و استعاره است. در تشبیه‌ها و استعاره‌ها، قرآن بهترین نظیر را برای مشبه برگزیده است و تصویری روشن از آن ارائه کرده است. بسیاری از این گونه تصویرها، امور معقول را به شکلی محسوس به تصویر کشیده‌اند و در اندکی از آن‌ها، برای روشن کردن امور حسی آن‌ها را در لباس همانندی محسوس؛ اما دلالت کننده بر مقصود، ارائه کرده است. تصویرهای بیانی قرآنی نقش آرایه‌ای ندارند بلکه تصویرهایی هستند که اصلی‌ترین کارکرد آن رساندن معناست و این وظیفه را به زیبایی اعجاز آوری ایفا کرده‌اند.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، تصویرهای بیانی، تصویرهای حسی، تصویرهای مبتنی بر حس ذائقه، خوردنی و نوشیدنی.

دلالات الصور البيانية المبنية على القوة الذوقية (الطعام والشراب) في القرآن الكريم

الملخص

إنَّ القرآن الكريم قد عرض في كثير من آياته تصويراً حسياً من أغراضه. وقد وُظف في إبداع كثير منها الفنون البيانية (التشبيه، والمجاز، والكنائية). تهدف هذه المقالة إلى دراسة صور حسية في القرآن الكريم ترتبط نوعاً ما بالقوة الذوقية والطعام والشراب إجابة عن الأسئلة التالية: كيف تجلّت الصور التي أبدعت من الطعام والشراب والقوة الذوقية في القرآن الكريم؟ ما هو الدور الذي لعبته تلك الصور في إيصال الأغراض القرآنية؟ أي فنّ من الفنون البيانية له الدور الأكبر في تصوير المعاني المتصلة بالقوة الذوقية؟ اعتمد الباحث في هذه الدراسة على المنهج التحليلي – الوصفي. توحي هذه الدراسة إلى النتائج التالية: إنَّ الصور التي أبدعت من الطعام والشراب، في القرآن الكريم متجلية في صورتين: حقيقية وبيانية. أما الصور الحقيقية فهي الحقيقة فهي كثيرة في القرآن الكريم تجدها في آيات الحلال والحرام من الأطعمة والأشربة كما تجدها في ذكر نعم الله في الدنيا وفي وصف طعام أهل الجنة وشرابهم وفي وصف ما يُؤكل أصحاب النار وما يُشربون. وأمّا الصور البيانية التي أبدعت من الطعام والشراب وما هو ذوقي فهي قليلة في القرآن الكريم وينحصر على أساس ما وصل إليه الباحث في مجاز مرسل و عدد من التشبيهات والإستعارات. إنَّ القرآن الكريم في تشبيهاته واستعاراته قد اختار أقرب مَثيل للمشبه بحيث يصوره تصويراً واضحاً. إنَّ كثيراً من هذه الصور تصور الأمور العقلية في صورة محسوسة وقليلاً منها تلبس عليها ثياب محسوس آخر أدلّ من الأوّل بالمقصود. وإنَّ الصور البيانية في القرآن الكريم لم تأت لغرض جمالي وإمّا الغرض الأصيل منها إيصال المعنى إلى قلب المخاطب وهي قد أدّت هذا الغرض بشكل عجز البشر عن الإتيان بمثله.

الكلمات الرئيسية: القرآن الكريم، الصور البيانية، الصور الحسية، الصور المبنية على القوة الذوقية، الطعام والشراب.

۱- مقدمه

حواس، نخستین چیزی است که به انسان در درک محیط پیرامونش کمک می‌کند و مهم‌ترین ابزار شناخت او از طبیعت است. با هر تجربه‌ای در درک طبیعت، تصویری از اشیاء و امور در ذهنش شکل می‌گیرد که به آن‌ها تصویر ذهنی گفته می‌شود. تصویرهای ذهنی مشترک انسان‌ها که با حواس پنج‌گانه بینایی، شنوایی، لامسه، بویایی و چشایی درک کرده‌اند، پایه اصلی ارتباط کلامی آن‌هاست. بدیهی است امور معنوی و مفاهیمی که با حواس درک نمی‌شوند، پس از آشنایی انسان با امور حسی شکل می‌گیرند. بر این اساس؛ بخش فراوانی از سخنانی که میان انسان‌ها ردوبدل می‌شود، چیزهایی است که با حواس درک کرده‌اند و تصویری از آن‌ها در ذهنشان شکل گرفته و با ذکر نامی که برای آن‌ها وضع شده است به ذهن شنونده باز می‌گردد.

سخنوران برای بیان افکار و عواطف خویش از همین تصویرهای ذهنی مشترک استفاده می‌کنند. از این رو، در نقد جدید، پژوهش‌های فراوانی در باره تصویر آفرینی شاعران و ادیبان بر اساس حواس پنج‌گانه انجام شده است. بدیهی است، قرآن کریم نیز که بلیغ‌ترین کتاب نهاده شده در اختیار انسان است، همین تصویرهای ذهنی را که نخست بر اساس حواس شکل گرفته، برای رساندن مفاهیم متعالی و هدایت بشر به سوی غایتی الهی بکار گرفته است.

۱-۱ - پرسش‌های پژوهش

- ۱- تصویرهای حسی مبنی بر خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها و چشیدنی‌ها به چه شکل‌هایی در قرآن کریم تجلی یافته‌اند؟
- ۲- قرآن کریم برای بیان اغراض خود از کدام‌یک از فنون بیانی استفاده کرده است؟
- ۳- نقش این گونه تصویرها در رساندن اغراض قرآن چگونه است؟

۲-۱ - پیشینه پژوهش

پژوهش‌های انجام شده درباره تصویر پردازی‌های حسی را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:

- الف- پژوهش‌هایی نظیر نمونه‌های ذیل که به تصویرهای حسی به شکل عام اشاره کرده‌اند:
 - سید قطب در کتاب *التصویر الفني فی القرآن الکریم* خلال مباحث مختلف آن ۱۶ صفحه را به بحث خیال پردازی حسی و تجسیم در قرآن اختصاص داده است و نمونه‌هایی از آیات الهی را که در آن جامه محسوسات بر تن امور معنوی پوشیده شده، ذکر کرده است. (قطب، ۲۰۰۲م، ۷۱-۸۶)
 - زید بن محمد بن غانم *الجهنی* در کتاب *الصورة الفنية فی المفضليات*؛ *أنماطها، موضوعاتها، مصادرها وسماتها الفنية* که در سال ۱۴۲۵ق منتشر شده است، ضمن بررسی تصویرهای فنی در شعر شاعران جاهلی که شعر آنان در مفضليات جمع شده است، چهار

صفحه را به بررسی تصویرهای مرتبط با حس ذائقه اختصاص داده است. (الجهینی، ۱۴۲۵ق: ۲۴۱-۲۳۸).

- نور الدین دحماني در رساله دکتري خود تحت عنوان بلاغۀ الصورة الفنیة فی الخطاب القصصی القرآنی؛ مقاربه تحلیلیة فی جمالیات الأداء والإحیاء ضمن مباحث متعدد خود شش صفحه را به تصویرهای ذوقی اختصاص داده است. نویسنده بنا به مقتضای بحث خود فقط به تصویرهای حقیقی پرداخته که به شکل قصصی در قرآن کریم وارد شده است (دحماني، ۲۰۱۱م، ۳۱۱-۳۱۷).
 - خداداد بحری در پایان نامه دکتري خود با عنوان الصورة الفنیة فی شعر المتنبي والشريف الرضي؛ الفخر نموذجا ضمن بررسی تصویرهای حسی در شعر متنبي و شریف رضی، در سه صفحه از رساله خود، به بررسی تصویرهای ذوقی (خوردنی و نوشیدنی) پرداخته است. (بحری، ۱۳۹۰ش: ۲۷۰-۲۷۲)
 - صباح عباس عنوز در کتاب دلالة الصورة الحسیة فی الشعر الحسینی نخست به بررسی شکل گیری صورتهای حسی پرداخته سپس بر این اساس پاره‌ای از اشعار سروده شده در باره امام حسین (ع) را با تاکید بر این امر تحلیل کرده است.
- ب- پژوهش‌هایی که به بررسی تصویرهای مربوط به یک حس خاص پرداخته‌اند:
- عبد الله المغامری الفیفی در کتاب الصورة البصریة فی شعر العمیان تنها به تصویرهای قابل ادراک با حس بینایی در شعر نابینایان مادرزاد پرداخته است. وی در این کتاب که در سال ۱۹۹۷م منتشر شده است، ۱۰۴۶ بیت دارای تصویرهای بصری را از دیوان‌های بشار بن برد، علی بن جبلة العکوک، ابو العلاء معری، علی بن عبد الغنی الحصری القیروانی، أحمد بن عبد الله التطلی و عبد الله البرذونی، استخراج و بررسی کرده است.
 - الصّورة السّمعیة فی الشعر العربی قبل الإسلام نوشته صاحب خلیل ابراهیم که در سال ۲۰۰۰م و در منشورات اتحاد کتاب العرب چاپ شده است. نویسنده در این کتاب علاوه بر ذکر انواع تصویرهای سمعی به مواضع اداء سمعی در قصیده جاهلی و ساختار جمالی در تصویرهای سمعی گوناگون و بافت شعری از جهت موسیقایی و بیانی پرداخته است.
 - مقاله «نقش عنصر حرکت در حیات‌بخشی به تصاویر قرآنی و بررسی آن در جزءهای ۲۸ و ۲۹ قرآن کریم» نوشته مریم ولایتی و بتول مشکین فام که در شماره ۱ از دوره ۷ مجله تحقیقات قرآن و حدیث به چاپ رسیده است. نویسندگان در این مقاله تنها تصویرهای حرکتی را که جزئی از تصویرهای بصری شمرده می‌شود بررسی کرده‌اند و نقش حرکت را در حیات بخشی به تصویرها بیان کرده‌اند.

• پایان نامه الصور المتحرکه فی القرآن الکریم؛ الثلث الأول نمودجا نوشته صغری بیاد که در سال ۱۳۹۵ در دانشگاه خلیج فارس بوشهر به اتمام رسیده است، نویسنده در این رساله به بررسی تصویرپردازی‌های حرکتی در قرآن کریم پرداخته است. بر اساس اطلاعات نویسنده، تا زمان نگارش این مقاله، پژوهشی مستقل در باره تصویرهای مرتبط با حس چشایی و خوردن و نوشیدن، نه در قرآن و نه در آثار منظوم و منشور ادبی انجام نشده است؛ به همین جهت نویسنده، بررسی این موضوع را در قرآن کریم برگزیده است.

۱-۳- روش پژوهش

نویسنده قصد دارد، ابتدا به تعریف تصویر حسی و تصویرهای مرتبط با ذائقه (خوردنی و نوشیدنی) بپردازد، سپس با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی، اشکال وارد شدن تعابیر مرتبط را بیان نماید و دلالت تصویرهای بیانی را بر معنای قصد شده روشن کند. همچنین به شکلی گذرا به تصویرهای حقیقی اشاره خواهد کرد. نمونه‌های برگزیده برای بررسی، از تمام سی جزء قرآن کریم اختیار خواهد شد.

۲- نقش صورت‌های حسی در تصویرپردازی ادبی

هرگاه انسان چیزی را با حواس پنج‌گانه خویش درک کند، صورتی از آن در ذهنش جای می‌گیرد که در صورت غیاب آن شیء در ذهن باقی می‌ماند. به این تصویر به جای مانده در ذهن، تصویر ذهنی می‌گویند. به همین جهت، در تعریف آن آمده است: «صورت ذهنی بازگشت احساسات به ذهن است، در نبود اشیائی که آن‌ها را بر می‌انگیزد». (وهبة والمهندس، ۱۹۸۴م: ۲۲۷) این تصویرهای ذهنی از امور مادی که به اعتقاد جرجانی با حس مشترک ترسیم می‌گردد و در قوه خیال ذخیره می‌گردد، (الجرجانی، ۱۹۸۵م: ۱۰۷) بنیان دانش انسان را شکل می‌دهد؛ علاوه بر این سنگ بنای ارتباط وی را با دیگران پایه ریزی می‌کند؛ زیرا با تعبیر از آن‌ها، حسی مشترک در مخاطب بر می‌انگیزد. بر این اساس، حواس سخنوران، اصلی‌ترین وسیله آنان در تصویر پردازی و بر انگیزختن احساسات مخاطب است؛ زیرا با دخل و تصرف در صورت‌های ذهنی است که تصویر هنری می‌آفرینند و دل و جان مخاطب را با تشبیهات و استعاره‌های خویش متأثر می‌سازند. شاید به همین جهت است که برخی کتاب‌ها بر صورت‌های فنی (تشبیه، استعاره) اصطلاح «صورت ذهنی» اطلاق کرده‌اند و وظیفه آن را ایجاد تصویری ملموس در ذهن مخاطب دانسته‌اند. بدین شکل که از رنگ-ها، شکل‌ها، حرکات و دیگر حالات اشیاء، تصویری کلامی بیافریند که خواننده مستقیماً آن را درک کند. (وهبة والمهندس، ۱۹۸۴م: ۲۲۷ و ۲۲۸)

می‌توان گفت: تصویر ادبی که در متن، زیبایی و جذبه‌ای قوی‌تر از سخن عادی می‌آفریند و خواننده را به حرکت وامی‌دارد و او را به فضایی فراتر از فضای واقعی می‌برد (التنوجی، ۱۹۹۹م: ۵۹۱)،

بر پایه صورت‌های ذهنی شکل یافته در مخیلهٔ سخنور شکل می‌گیرد و هر نویسنده و شاعر، می‌تواند به قدر توانایی ذاتیش در به هم آمیختن تصویرهای ذهنی، تصاویری خیالی و ادبی بیافریند تا افکار و عواطف خویش را به مخاطب برساند.

بررسی تصویرهای ادبی بر اساس ارتباط آن با حواس پنج‌گانه از مباحث نقد ادبی جدید است، هرچند ریشه‌های آن را در بلاغت قدیم در بحث‌هایی نظیر تشبیه حسی و عقلی می‌توان یافت. (الفتازانی، ۱۳۹۱ش: ۲۹۴-۳۰۷) در این پژوهش که به بررسی تصویرهای ساخته شده از خوردن نوشیدن و قوه ذائقه در قرآن کریم می‌پردازد، نویسنده آیات مرتبط با آن تصویرها را تحلیل خواهد کرد.

۳- تصویرهای مبتنی بر حس ذائقه (خوردن و نوشیدن) در قرآن کریم

تصویرهای بنا شده از خوردن و نوشیدن و آنچه به حس ذائقه مربوط است، در قرآن کریم به دو شکل حقیقی و بیانی آمده است.

۳-۱- تصاویر حقیقی

کلمات، در این گونه تصاویر، در معنی حقیقی خود بکار رفته است و تعابیر از فنون بیانی (تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه) خالی است. نمونه‌های این گونه تصاویر که به خوردن و نوشیدن مربوط است در قرآن کریم فراوان است. یکی از بارزترین نمونه‌های آن، تعابیری است که خداوند برای توصیف نعمت‌های الهی در روز قیامت بکار برده است یا اوصافی است که برای بیان عذاب مشرکان و بدکاران استفاده کرده است. آیات بیست و پنجم تا بیست و هشتم سورهٔ مطففین و آیات شانزدهم و هفدهم سورهٔ ابراهیم نمونه‌ای است از این گونه تصویرها که آیات سورهٔ نخست شراب نیکان را در قیامت توصیف می‌کند و آیات سورهٔ بعد تصویری از نوشیدنی بدکاران را در آخرت ارائه می‌کند.

از دیگر نمونه‌های تصاویر حقیقی تذکر نعمت‌های الهی در دنیاست، نظیر آیات بیست و پنجم تا سی و دوم از سوره عبس که چگونگی رویاندن گیاهان و میوه‌هایی که غذای انسان و چارپایان است را بیان می‌کند.

از دیگر تعابیر حقیقی که به طعام و شراب مربوط است، آیاتی است که از احکام الهی در باره غذاهایی که بر مسلمانان حلال یا حرام شده است سخن می‌گوید. از آن جمله است سخن خداوند متعال: ﴿إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَحُمَ الْحَنْزِيرِ وَمَا أَهَلَ بِهِ لَعْنِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (بقره: ۱۷۳) ترجمه: «فقط بر شما مردار و خون و گوشت خوک و آنچه به غیر نام خدا ذبح شده باشد را حرام کرد. پس هر کس بدون زیاده خواهی و تجاوز به خوردن آن مجبور شود، گناهی بر او نیست. همانا خداوند آمرزنده و مهربان است.»

۲-۳- تصاویر بیانی ابداع شده مبتنی بر حس ذائقه (خوردن و نوشیدن)

صورت‌های بیانی به گونه‌ای از صورت‌های ادبی اطلاق می‌شود که «در پردازش آن‌ها بر اسلوب‌های بیانی نظیر تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه و دیگر وسائط بیانی متداول تاکید می‌شود. اسلوب‌هایی که در آن می‌توان یک معنای واحد را بر اساس مقتضای حال و ذوق نویسنده در اختیار و پردازش بکار برد» (یعقوب وعاصی، ۱۹۸۷م: ۷۷۵/۲). قرآن کریم، والاترین کتاب نهاده شده در اختیار بشر، از اسالیب بیانی مختلف به بهترین نحو استفاده کرده است؛ به همین جهت، کتاب‌های متعددی در باره بلاغت آن نگاشته شده است. قرآن کریم در آنچه به حس ذائقه مربوط است نیز به بهترین شکل از فنون بیانی استفاده کرده است.

آیات زیر که بر اساس ترتیب وارد شدن فنون بیانی در کتاب‌های سنتی بلاغی منظم شده است، از نمونه‌های تصاویر ذائقه محور در قرآن کریم است.

۳-۲-۱- تشبیه

﴿إِنَّ شَجَرَةَ الزُّقُومِ / طَعَامَ الْأَثِيمِ / كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ / كَغَلِيِّ الْحَمِيمِ﴾ (الدخان: ۴۳-۴۵). ترجمه: «براستی درخت زقوم / غذای گنهکاران است/مانند فلز مذاب است و در شکم‌ها می‌جوشد/ مانند جوشیدن آب جوش/».

آیات فوق، عذاب فراهم شده برای گناهکاران را به تصویر می‌کشد. عذابی که خوراندنی است. نخست بیان می‌کند که غذای گنه‌پیشه‌گان از «زقوم» است که میوه‌ای است بسیار ناخوشایند از یک گونه درخت. (الطبرسی، ۲۰۰۵م: ۲۳۶/۸). سید حسن مصطفوی در باره آن آورده است: «اصل واحد در باره این ماده خوردن به روش بلعیدن و به اجبار است. شاید اطلاق "زقوم" بر انواعی از درختان به جهت نامطبوع بودن آن است». (مصطفوی، ۱۳۸۵ش: ۳۴۹/۴) در تفسیر المیزان در توصیف آن آمده است: «اسم درختی است با برگی کوچک، تلخ و بدبو، آبی دارد که اگر به جسم انسان برخورد کند، متورم می‌شود» (الطباطبائی، ۱۹۹۷م: ۱۴۱/۱۷). «مُهْل» را برخی ته مانده روغن دانسته‌اند (الراغب الإصبهانی، بی تا: ۴۷۶) و برخی آن را فلز مذاب گفته‌اند. (ابن منظور، ۱۹۹۲م: ۲۰۹/۱۱) و «غَلِي» دیگ سرریز شده را گویند (الراغب الإصبهانی، بی تا: ۳۶۵) و «حَمِيم» آبی است که به نهایت گرمی رسیده باشد؛ (الطبرسی، ۲۰۰۵م: ۸۸/۹) بنابراین، آیه با بکارگیری تشبیه، غذای گناهکاران را غذایی بسیار نامطبوع از درختی معرفی می‌کند که به حدی کریه است و منفور که در خود قرآن به سر-های شیطان‌ها تشبیه شده است. (الصفات: ۶۵) این غذا چون روغن داغ یا فلز مذاب در شکم‌های‌شان می‌جوشد و مانند آبی جوشان که از شدت غلیان سرریز شده در شکم آنان غلیان می‌کند. این تشبیه متناسب با غرض آیات که انذار گنهکاران است، به روشنی شدت عذاب الهی را برای‌شان به تصویر می‌کشد تا شاید از گناه دست بردارند و راه راست پیش گیرند.

تشبیه آنچه در شکم کافران و گنهکاران ریخته می‌شود به «مهل» در این آیه نیز آمده است: ﴿إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَإِنْ يَسْتَعِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا﴾ (الکهف: ۲۹) ترجمه: «ما برای ستمگران آتشی فراهم کرده‌ایم که سراپرده‌هایش آنان را احاطه کرده است و اگر کمک بخواهند به آنان کمک می‌شود با آبی چون فلز مذاب [گوشت] صورت‌ها را می‌پزد، بد شرابی است و بد جایگاهی است».

قرآن کریم آبی را که برای عذاب ظالمان مهیا شده تا به هنگام عطش ناشی از آتش دوزخ با آن خود را سیراب کنند به «مهل» مانند کرده است. این آب نه تنها تشنگی را برطرف نمی‌کند، از شدت حرارت چهره‌ها را نیز می‌سوزاند. سوزاندنی که براساس معنی لغوی کلمه «یشوی» گوشت بر اثر آن پخته می‌شود. (انیس و آخرون، ۱۳۷۲ش: ۵۰۲) در اینجا نیز، تشبیه، عذاب الهی مهیا شده برای ستمگران را، به شکلی کاملاً محسوس به تصویر کشیده است. این تصویر که با آمیزه‌ای از صورت-های حقیقی و بیانی ارائه شده، اشخاصی را در ذهن مجسم می‌کند که آتش، بسان سراپرده از هر سو آنان را احاطه کرده است؛ به طوری که امکان خروج از آن آتش هولناک از آنان سلب شده است و اگر کمک بخواهند، آبی بسیار بد، بسان فلز مذاب به آنان داده می‌شود که حرارت آن، چهره‌ها را می‌سوزاند.

﴿إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ﴾ (محمد: ۱۲) ترجمه: «به راستی خداوند کسانی را که ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند در بهشت‌هایی وارد می‌کند که در زیر آن‌ها نهرها جاری است و کسانی که کفر ورزیدند بهره‌مند می‌شوند و می‌خورند همان‌گونه که چارپایان می‌خورند و آتش پناهگاه آنان است».

قرآن کریم در این آیه به مقایسه بین حال مؤمنان و کافران پرداخته است. مؤمنان درست‌کردار را در بهشت‌هایی به تصویر می‌کشد که در زیر درختانش جویبارها جاری است و جایگاه کافران را در آتش نشان می‌دهد. دربخشی از آیه، قرآن با استفاده از یک تشبیه که به نوعی به طعام مرتبط است، حال ناسپاسان را در دنیا به تصویر کشیده است. مشبه حال کافرانی است که از متاع دنیا برخوردارند و غرق در خور و خواب و شهوتند و غافل و سرگردانند. مشبه به حیواناتی هستند که جز خوردن و خوابیدن از دنیا درکی ندارند و صرفاً از روی غریزه، به خوردن و نوشیدن و دفع شهوت مشغولند و چیزی جز لذت‌های حسی را درک نمی‌کنند. صفت مشترک بین این دو، غفلت و سرگردانی و بی‌هدفی در دنیاست. مشبه به اختیار شده در این تشبیه، چیزی است که از سویی نماد بی‌خردی و سرگردانی است و از دیگر سو، امری است که برای انسان‌ها محسوس است و پیش چشم آنهاست؛ بنابراین، مناسب‌ترین نظیر برای نشان دادن حال کافران در این دنیا اختیار شده است.

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَاهُمْ كَسْرَابٍ بِقَيْعَةٍ يُحْسِبُهُ الظَّمَانُ مَاءً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ فَوَفَّاهُ حِسَابَهُ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾ (النور: ۳۹) ترجمه: «و کسانی که کفر ورزیدند کارهایشان مانند سرابی است در زمینی هموار که تشنه آن را آب می‌پندارد وقتی به آن می‌رسد چیزی نمی‌یابد و خداوند را نزد آن می‌یابد پس به حسابش به طور کامل رسیدگی می‌کند و خداوند سریع حسابرسی می‌کند».

قرآن کریم، با بکار گیری تشبیه تمثیل، اعمالی را که کافران به آن امید بسته‌اند به تصویر کشیده است. مشبه هیئت کافرانی است که می‌پندارند اعمال و کردارشان در دنیا به آنان نفع می‌رساند؛ در صورتی که، کارهایشان نابود شده و اثری از آن نیست. مشبه به هیئت تشنه‌ای است که در زمینی پست سرابی دیده و از فرط تشنگی به سویی می‌شتابد تا رفع عطش کند؛ اما چون به آنجا می‌رسد، اثری از آب نمی‌بیند. وجه شبه بین آنها ابتدایی امید بخش و انتهای ناامید کننده و عذاب آور است. تشبیه امری عقلی و غیر محسوس را به شکلی حسی به تصویر می‌کشد؛ بنابراین، اضمحلال و نابودی و بی ثمر بودن اعمال کافران که امری است عقلی، به شکلی حسی و قابل درک برای مردم به تصویر کشیده است.

گفتنی است این تشبیه، حال کافران را بسیار بدتر از تشنه رفته در پی سراب به تصویر کشیده است؛ زیرا تشنه چون به سراب رسد، آب نمی‌بیند و امیدش به یأس تبدیل می‌شود و جز تشنگی و ناامیدی عذاب دیگری ندارد؛ ولی کافر نه تنها اثری از ثواب اعمالش نمی‌بیند، پس از ورود به قیامت، فرشتگان الهی را می‌بینند که در انتظار اویند تا پس از ورود، او را بگیرند و جزای کامل اعمالشان را بدهند.

تشبیهات فوق، اغراض و معانی مد نظر قرآن کریم را به صورت غذا و شراب که بارزترین شکل ادراک حسی است به تصویر کشیده است. گفتنی است، بحث زیبایی شناختی در تشبیهات قرآنی بخشی از کارکرد تشبیه در این کتاب عظیم است؛ زیرا «برای خدمت به عقیده و مجسم کردن معانی و اغراض قرآن مهیا شده‌اند. این تشبیهات با وجود زیبایی هنری و متمایز بودنشان، تنها یک گونه جمال یا تعبیر هنری نیست که خود هدف باشد، بلکه از اغراض عقیدتی دینی با بلیغ‌ترین شیوه تعبیر نموده‌است. بنابراین، زیبایی فن را با غرض دینی که تشبیهات برای آنان آمده با هم جمع کرده است» (قصاب).

۳-۲-۲- مجاز مرسل

کاربرد مجاز مرسل در قرآن کریم فراوان است؛ اما نویسنده تنها آیه ذیل را مربوط به خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها می‌داند که خود در شمار شواهد این نوع مجاز در کتابهای بلاغی ذکر شده است.

﴿وَدَخَلَ مَعَهُ السَّجْنَ فَتَيَانٍ قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرَانِي أَعْصِرُ خَمْرًا وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرَانِي أُحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْرًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ نَبْمًا يَتَّوِيلُهُ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ﴾ (يوسف: ۳۶). ترجمه: «و با او دو جوان وارد زندان شدند یکی از آن دو گفت من خودم را در خواب دیدم که می‌فشارم و دیگری گفت من خود را در خواب دیدم که بر سرم نانی حمل می‌کنم که پرنده از آن می‌خورد ما را از تاویل آن آگاه کن به راستی تو را از نیکوکاران می‌بینیم».

شاهد مجاز در آیه ﴿إِنِّي أَرَانِي أَعْصِرُ خَمْرًا﴾ است؛ آنجا که به جای اطلاق انگور بر آنچه فشرده می‌شود، از آن به خمر تعبیر کرده است که شرابی است حاصل از افشره انگور پس از تخمیر شدن. بلاغیون چنین مجازی را مجاز مرسل «باعتماد ما یکون» نامیده‌اند که در حقیقت نامیدن چیزی است بر اساس چیزی که به آن تبدیل می‌شود. (الهاشمی، ۱۳۶۷ش: ۳۰۶) بدیهی است این عدول از لفظ حقیقی به مجازی یا به قول احمد حسن البصیر (۱۹۸۷م: ۳۱۶) از صورت حقیقی به «صورت بدیل تابع» نقش مهمی در تصویر آفرینی دارد. به نظر می‌رسد، سبب عدول از لفظ حقیقی (عنب) به لفظ بدیل (خمر) علاوه بر ایجاز، به سبب فشردن انگور نیز اشاره دارد. به عبارتی، اشاره دارد به اینکه هم‌زندانی یوسف (ع) خواب می‌دیده است که برای خمر انگور می‌فشارد. شاید به سبب همین دلالت لفظ بدیل است که در تفسیر المیزان در بیان معنی این بخش از آیه آمده است: «والمعنى أصبح أحدهما وقال ليوسف (ع) أرى رأيت فيما يرى النائم إني أعصر عنباً للخمر» (به این معنی است که یکی از آن دو نفر صبح کرد و به یوسف (ع) گفت: من در آنچه انسان خواب می‌بیند دیدم که برای خمر انگور می‌فشارم) (الطباطبائی، ۱۹۹۷م: ۱۷۴/۱۱). علاوه بر این، تعبیر موجود باعث هم‌آوایی کلمه «خمر» با فاصله پس از آن یعنی «خبز» شده است که این هم‌وزنی بر زیبایی آیه افزوده است.

۳-۲-۳- استعاره

از استعاره‌هایی که به قوه ذائقه و خوردن و نوشیدن مرتبط هستند می‌توان به آیات ذیل اشاره کرد: ﴿وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكَ وَيَا سَّمَاءُ أَقْلِعِي وَغِيضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ (هود: ۴۴). ترجمه: «و گفته شد ای زمین، آب خود را ببلع و ای آسمان، بارش را قطع کن و آب فرو رفت و امر به انجام رسید و [کشتی] بر کوه جودی قرار گرفت و گفته شد مرگ بر قوم ستمگر».

شاهد در «يا أرض ابلعي ماءك ويا سماء اقلعي» است که چون زندگان به زمین و آسمان خطاب شده است و به اولی دستور داده شده که آب را فرو برد و دومی مأمور متوقف کردن بارش شده است. «بلع» بردن چیزی است از حلق به شکم (الطبرسی، ۲۰۰۵م: ۲۱۷/۵) در التحریر والتنوير آمده

است: «حقیقت بلع عبور غذا و نوشیدنی است بی آنکه در دهان بماند» (ابن عاشور، ۱۹۸۴م: ۷۸/۱۲) و «إقلاع» از بین بردن چیزی است از اصل به نحوی که اثری از آن دیده نشود. (الطبرسی، ۲۰۰۵م: ۲۱۷/۵) در فرمان به زمین، دو استعاره موجود است: نخست تشبیه زمین به انسان به قرینه خطاب با حرف «یا» که وجه شبه، اطاعتِ ناشی از فرمان است تا به قول زمخشری (۲۰۰۹م: ۴۸۵) «بر اقتدار عظیم دلالت کند و اینکه آسمان ها و زمین و این اجرام بزرگ فرمانبردار اویند؛ زیرا هرگونه خواسته، آنها را ایجاد کرده و اداره آنها بر او دشوار نیست، گویی عاقل و دارای قدرت تشخیص‌اند و عظمت و شکوه و پاداش و مجازات و توان او بر همه امور را می‌شناسند». دوم در همانند کردن فرو بردن آب است به بلعیدن. وجه شبه استعاره، سرعت فرو بردن است. بر این اساس، سرعت فرو بردن آب که زمین مأمور آن است به سرعتی مانند شده، که غذا بلعیده می‌شود. به عبارتی دیگر، به زمین امر شده است که به سرعت، آب موجود بر سطح خود را فرو برد؛ همانگونه که انسان غذا را در کام خود می‌کشد. استعاره در اینجا توانسته است امری محسوس (جذب شدن آب به وسیله زمین) را با امر محسوس دیگری (بلعیده شدن غذا به وسیله انسان یا حیوان) که دلالتش بر غرض روشن‌تر است برای مخاطب به تصویر بکشد.

﴿وَإِذَا أَدْفَنَّا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ﴾ (روم: ۳۶)
ترجمه: «و اگر به مردم اندک رحمتی بچشانیم از آن به طرب می‌آیند و اگر به خاطر آنچه به دست خویش کرده‌اند اندکی بدی به آن‌ها برسد یکباره ناامید می‌شوند».

در آیه، رساندن رحمت به مردم، که مراد از آن‌ها کافران است، به إِذَاقَة (چشاندن) تشبیه شده است که «اصل آن برخورد غذا به نوک زبان و ضعیف‌ترین نوع برخورد اعضاء بدن به اجسام است» (ابن عاشور، ۱۹۸۴م: ۹۷/۲۱). بر اساس این معنی، استعاره اندکی توان انسان را در برابر نعمت‌های الهی به خوبی نشان داده است؛ زیرا با دقت در نقش استعاره، در می‌یابیم که انسان با چشیدن - نه خوردن - نعمت‌های الهی و ادراک لذت دچار تبختر و سرمستی می‌شود. به نظر می‌رسد، نکره آوردن «رحمة» و «سینة» برای دلالت بر قلت است که با «إذاقة» در تناسب کامل است. بدین معنی که اگر اندکی از نعمت‌های خویش را به انسان عطا کنیم، به سرعت دچار سرمستی و کفران نعمت می‌شود و اگر به خاطر کارهای خویش به آنان آسیبی ناچیز رسد صبر نتوانند و ناگهان ناامید می‌شوند. بدین شکل، آیه تصویری روشن از توان انسان در هر دو حالت رفاه و سختی ارائه می‌کند.

کاربرد فعل و مشتقات «ذاق» برای غیر چشیدنی‌ها در قرآن فراوان است که بیشتر در بلاها و مصیبت‌ها بکار رفته است؛ از آن جمله است: ﴿...فَذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ...﴾ (التغابن: ۵)، و ﴿...فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرِي﴾ (القم: ۳۷) و ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ...﴾ (العنکبوت: ۵۷). همان‌گونه که پیداست، در

آیات فوق، مشتقات «ذاق» در معنی مجازی بکار رفته است. بدین گونه که وبال (سختی) و عذاب و مرگ به غذایی تشبیه شده که انسان آن را سر می‌کشد و تمام وجودش مزه آن را حس می‌کند.

﴿وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا﴾ (الفجر: ۱۹). ترجمه: «و میراث را به تمامه می‌خورید».

استعاره در «تأكلون التراث» است. در این استعاره، مشبه، تصاحب و تملک است و مشبه به «أكل» (خوردن) و وجه شبه بین طرفین تشبیه، سرعت و شمولیت تصرف است. قرینه نیز مفعول قرار گرفتن تراث است که خود استعاره تخیلیه است و اموال تصاحب شده را مانند غذایی به تصویر می‌کشد که خورده می‌شود. چنین می‌نماید که سبب تشبیه تصاحب اموال و میراث‌ها به خوردن طعام به این امر برگردد که خوردن بارزترین شکل تصاحب و مصرف چیزهاست. گفتنی است کثرت کاربرد «أكل» در غیر خوردنی‌ها سبب شده به چیزی شبیه حقیقت عرفی تبدیل شود. در تفسیر **التحریر والتنوير** نیز به این امر تصریح شده است: «أكل در حقیقت بلعیدن غذاست، بعد به بهره بردن از چیزی و با حرص گرفتن آن اطلاق شده است. اصل آن تمثیل است و بعد حقیقت عرفی شد». (ابن عاشور، ۱۹۸۴م: ۲۵۳/۳)

کلمه «أكل» در قرآن کریم در آیات فراوانی در غیر خوردنی‌ها بکار رفته است. از جمله در ﴿...أُولَئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ...﴾ (بقره: ۱۷۴)، ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (بقره: ۱۸۸)، ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً...﴾ (آل عمران: ۱۳۰) و ﴿وَتَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمِ السُّحْتِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (مائده: ۶۲).

در این آیات، آتش، اموال، ربا و رشوه چون غذایی به تصویر کشیده شده است که انسان با حرص و ولع در کام خود فرو می‌برد.

﴿الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهْدٌ إِلَيْنَا أَلَّا نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأْتِينَا بَقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالذِّكْرِ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (آل عمران: ۱۸۳). ترجمه: «کسانی که گفتند خداوند از ما عهد و پیمان گرفته که به پیامبری ایمان نیاوریم مگر آنکه یک قربانی برای ما بیاورد که آتش آن را بخورد. بگو پیامبرانی پیش از من به سوی شما آمدند با دلایل روشن و با آنچه شما گفتید، اگر راست می‌گویید، چرا آن‌ها را کشتید». شاهد در «تأكله النار» است؛ چون «أكل» در اصل تناول کردن غذاست و عباراتی مثل «أكلت النار الحطب» به خاطر تشبیه است. (الراغب الإصبهانی، بی تا: ۲۰) مراد از نسبت دادن خوردن به آتش آن است که آتش آن را بسوزاند یا به گفته صاحب تفسیر البحر المحيط آتش آن را از بین ببرد و نابود کند. (ابو حیان الأندلسی، ۱۹۹۳م: ۱۳۷/۳)؛ به هر حال، در این آیه، سوزاندن آتش به خوردن مانند شده است و آیه سوزانده شدن و از بین رفتن

قربانی به وسیله آتش را چون غذایی به تصویر کشیده است که خورنده‌ای آن را می‌خورد و اثری از آن باقی نمی‌گذارد.

از دیگر آیاتی که می‌توان آنها را به تصویرهای مبتنی بر خوردن و نوشیدن و چشیدن نسبت داد، آیاتی است که از حالتی تعبیر می‌کنند که بر اثر خوردن و نوشیدن پدید می‌آید، مانند:

﴿وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا مِّنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ / لَقَالُوا إِنَّمَا سُكَّرَتْ أَبْصَارُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَّسْخُورُونَ﴾ (الحجر: ۱۴ و ۱۵) ترجمه: «اگر برای آنان دری از آسمان بگشاییم که همواره در آن بالا روند/ گویند چشمان ما مست شده بلکه ما قومی سحر شده‌ایم».

«سُكَّر» حالتی است که بین انسان و خرد او عارض می‌شود و بیشتر کاربرد آن در ارتباط با شراب است. (الراغب الإصبهانی، بی تا: ۲۳۶) در آیه فوق، چشم بندی شدن به مست شدن بر اثر نوشیدن خمر تشبیه شده است. وجه شبه آن زائل شدن عقل و مشتبه شدن امر و تشخیص ندادن صحیح از غیر صحیح است. اگر از زاویه‌ای دیگر بنگریم، چشمان بسان انسان‌هایی به تصویر کشیده شده‌اند که بر اثر نوشیدن باده سرمستند و عقلشان زدوده شده و تشخیص امور برایشان میسر نیست. به عبارتی دیگر، کافران برای بیان در غشاء قرار گرفتن چشم و بیان اینکه امور برای آنان مشتبه شده، چشمان خود را به انسانی مست مانند کرده‌اند که بر اثر باده‌خواری مدهوش گشته است. در آیه ﴿لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ﴾ (الحجر: ۷۲) ترجمه: «به جانت سوگند آنان در سرمستی خود سرگردان بودند»، غفلت کافران و غرق شدن آنان در سرگردانی و تحیر به مدهوشی بر اثر باده نوشی مانند شده است. جامع بین آن دو نیز زوال عقل و غفلت از اموری است که انسان را در بر گرفته است. در آیه ﴿وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ﴾ (ق: ۱۹) ترجمه: «و مستی مرگ به حق می‌آید [و گفته می‌شود] این است که از آن دوری می‌جستی» برخی از مفسران «سکره» را استعاره گرفته‌اند از سختی و شدت ناشی از مرگ که حواس را به خود مشغول و عقل را زائل می‌کند (القاسمی، ۲۰۰۳: ۱۹۹). علاوه بر این، مرگ می‌تواند به طریق استعاره مکنیه به شراب مانند شده باشد و «سکره» استعاره تخیلیه باشد که به این اعتبار چون شرابی به تصویر کشیده شده است که وقتی نوشیده شود، هوش از سر انسان بیرون می‌کند و از محیط پیرامونش غافل می‌سازد. شریف رضی، نیز به این امر اشاره کرده است: «منظور از مرگ در این آیه اندوهی است که به هنگام مرگ، محتضر را در بر می‌گیرد و قدرت تشخیص را از او سلب می‌کند و عقلش از او رخت بر می‌بندد. پس خداوند متعال آن را به مدهوشی شراب مانند کرده است جز اینکه آن مدهوشی راحتی بخش است و این دردناک» (الشریف‌الرضی، بی تا: ۲۹۱).

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَجِبْ أَعَدُّكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ﴾ (الحجرات: ۱۲) ترجمه:

«ای کسانی که ایمان آوردید از بسیاری گمان‌ها پرهیز کنید، بی تردید برخی گمان‌ها گناه است و تجسس نکنید و غیبت همدیگر ننمایید. آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خویش را بخورد؟ پس از آن اکراه دارید. و از خدا بترسید. همانا خداوند بسیار توبه پذیر و مهربان است.»

در این آیه، خداوند متعال برای نمایاندن آثار منفی غیبت و منفور و زشت جلوه دادن آن، استعاره تشلییه را بکار گرفته است. مشبه در این استعاره هیئت مؤمنی است که در غیاب هم کیش خود، که در قرآن در آیه دهم از همین سوره نام برادر بر آن اطلاق کرده است، از او به بدی یاد کرده است. مشبه به هیئت شخصی است که گوشت برادر خود را می‌خورد آن هم زمانی که مرده است. وجه شبه هیئت حاصل از اضرار به کسی است که توان دفاع از خویش را ندارد. مشبه به، به شکل جمله استفهامیه انکاری بیان شده که هدف آن اعتراف‌گیری از مخاطب در قبیح و منفور بودن عمل مذکور بعد از همزه استفهام؛ یعنی خوردن گوشت مرده برادر است. به همین سبب جمله «فکرهتموه» را در پی آن آورده است که خبر می‌دهد از اکراه آنان از خوردن چنین طعامی. همان‌گونه که اشاره شد، تشابه بین غائبی که از او به بدی یاد می‌شود و مرده در این آیه، یکسانی هر دو در ناتوانی دفاع از خویش است. شاید به همین جهت است که در تفسیر مجمع البیان به نقل از زجاج آمده است: «تاویل آیه چنین است: به بدی یاد کردن از کسی که نزد تو حاضر نیست، به منزله آن است که گوشت او را بخوری در حالی مرده باشد و آن را حس نکند» (الطبرسی، ۲۰۰۵م: ۱۷۵/۹). و در المیزان نیز آمده است: «[غیبت شده] مرده نامیده شد؛ زیرا به جهت غائب بودنش غافل است و آنچه در باره او گفته می‌شود را نمی‌داند» (الطباطبائی، ۱۹۹۷م: ۳۲۴/۱۸).

بلاغت استعاره در به تصویر کشیدن عمل غیبت، به شکل امری محسوس نمایان است؛ زیرا آن را به صورت غذایی نمایانده است که نه تنها طبع از آن بیزار است، بلکه تصور خوردن چنین طعامی نیز برایش نفرت انگیز است.

نتیجه بحث

تصویرهای حسی مبتنی بر خوردن و نوشیدن و حس چشایی به دو شکل حقیقی و بیانی در قرآن کریم تجلی یافته است. تصویرهای حقیقی را در هنگام سخن گفتن از احکام الهی در باره خوردنی-ها و آشامیدنی‌ها، نعمت‌های الهی در دنیا، نعمت‌های بهشتی برای نیکان و عذاب‌های فراهم شده برای مشرکان و بدکاران در روز قیامت می‌توان یافت.

تصویرهای بیانی مربوط به ذائقه و طعام و شراب در قرآن کریم، اندک است. در تحقیق انجام شده، نویسنده نتوانست در کل قرآن کریم به تعبیری کنایی مرتبط با این حس دست یابد. از تصاویر بیانی موجود، یک مورد مجاز مرسل است و بقیه را تشبیه و استعاره تشکیل می‌دهد. قرآن کریم در تصویرهای تشبیهی و استعاری بهترین نظیر را برای مشبه برگزیده و متناسب با غرض،

تصویری روشن از امور ارائه کرده است. بسیاری از تصویرهای بیانی امور معقول را به شکلی محسوس به تصویر کشیده‌اند. در تصویرهایی که برای نمایاندن امور محسوس بکار رفته‌اند، مشابه به اختیار شده، به خوبی مشابه را برای مخاطب نمایانده به نحوی که آن امر حسی را در لباسی محسوس تر و روشن تر نشان داده است. تصویرهای بیانی قرآنی نقش آرایه‌ای مستقل از معنا ندارد بلکه اصلی ترین کارکرد این تصویرها رساندن معنا به مخاطب به بهترین وجه و زیباترین صورت است.

منابع

القرآن الکریم.

- ابن عاشور، محمد الطاهر. (۱۹۸۴). *تفسیر التحریر والتنویر*. تونس: دار التونسیة للنشر.
- ابن منظور. (۱۹۹۲). *لسان العرب* (چاپ دوم). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- أبو حیان الأندلسی، محمد بن یوسف. (۱۹۹۳). *تفسیر البحر المحیط* (دراسة وتحقیق: عادل عبدالموجود، علی محمد معوض). چاپ اول. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- أنیس، إبراهیم، وآخرون. (۱۳۷۲ش). *المعجم الوسیط* (الطبعة الرابعة). تهران: مکتب نشر الثقافة الإسلامیة.
- بحری، خداداد. (۱۳۹۰ش). *الصورة الفنية في شعر المتنبي والشريف الرضي؛ الفخر نموذجاً* (پایان نامه دکتری). دانشگاه خوارزمی.
- البصیر، کامل حسن. (۱۹۸۷). *بناء الصورة الفنية في البيان العربي*. بغداد: المجمع العلمی العراقی.
- بیاد، صغری. (۱۳۹۵ش). *تصویرپردازی‌های حرکتی در جزء اول تا دهم قرآن کریم* (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه خلیج فارس بوشهر.
- التفتازانی، سعد الدین. (۱۳۹۱ش). *شرح المختصر* (چاپ هفتم). قم: منشورات إسماعیلیان.
- التنوجی، محمد. (۱۹۹۹). *المعجم المفصل في الأدب* (چاپ دوم). بیروت: دار الکتب العلمیة.
- الجرجانی، محمد الشریف. (۱۹۸۵). *كتاب التعريفات*. بیروت: مکتبۃ لبنان.
- الجهینی، زید بن محمد بن غانم. (۱۴۲۵ق). *الصورة الفنية في المفضليات؛ أنماطها وموضوعاتها ومصادرها وسماتها الفنية* (چاپ اول). المدينة المنورة: الجامعة الإسلامیة.
- دحمانی، نورالدین. (۲۰۱۲/۲۰۱۱). *بلاغۃ الصورة الفنية في الخطاب القصصي القرآن؛ مقاربه تحليلیة فی جمالیات الأداء والإحياء* (أطروحة الدكتوراه). جامعة وهران.
- الراغب الإصفهانی. (ب. ت.). *المفردات في غریب القرآن* (تحقیق: محمد سید کیلانی). بیروت: دار المعرفة.
- الزمخشری. (۲۰۰۹). *تفسیر الکشاف* (چاپ دوم). بیروت: دار المعرفة.
- الشریف الرضی. (ب. ت.). *تلخیص البیان فی مجازات القرآن* (تحقیق و تقدیم: علی محمود مقلد). بیروت: منشورات دار مکتبۃ الحیاء.
- الطباطبائی، السید محمد حسین. (۱۹۹۷). *المیزان فی تفسیر القرآن* (چاپ اول). بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

- الطبرسی. (۲۰۰۵). *مجمع البيان في تفسير القرآن* (الطبعة الأولى). بيروت: دار العلوم للتحقيق والطباعة والنشر والتوزيع.
- عقوب، إميل بديع، وعاصي، ميشال. (۱۹۸۷). *المعجم المفصل في اللغة والأدب* (چاپ اول). بيروت: دار العلم للملايين.
- الفيفي، عبد الله بن أحمد المغامري. (۱۴۱۶ق). *الصورة البصرية في شعر العميان؛ دراسة نقدية في الخيال والإبداع* (چاپ اول). الرياض: النادي الأدبي.
- القاسمي، محمد جمال الدين. (۲۰۰۳). *تفسير القاسمي المسمى محاسن التأويل* (چاپ دوم). بيروت: دار الكتب العلمية.
- قصاب، وليد إبراهيم. (۲۰۱۸، ۳ فبراير). *البلاغة العربية؛ علم البيان. الطبعة الإلكترونية*. تم الاسترجاع من <http://maktabeti.com>
- قطب، سيد. (۲۰۰۲). *التصوير الفني في القرآن* (چاپ شانزدهم). القاهرة: دار الشروق.
- المصطفوي، حسن. (۱۳۸۵ش). *التحقيق في كلمات القرآن الكريم* (چاپ اول). طهران: مركز نشر آثار العلامة المصطفوي.
- وهبة، مجدي، والمهندس، كامل. (۱۹۸۴). *معجم المصطلحات العربية في اللغة والأدب* (چاپ دوم). بيروت: مكتبة لبنان.
- الهاشمي، السيد أحمد. (۱۳۶۷ش). *جواهر البلاغة* (چاپ اول). قم: انتشارات مصطفوي.